

بررسی رابطه تحریف های شناختی و بهزیستی روان شناختی با دلزدگی زناشویی در

زوجین متقاضی طلاق

محمد علی رحمانی^۱، ناصر امینی^۲، زهرا سیرتی ثابت فومنی^{۳*}

۱) استادیار روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران

۲) استادیار روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر، بوشهر، ایران

۳) دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات بوشهر، گروه روانشناسی، بوشهر، ایران

*نویسنده مسوول: z.siratisabet@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۲/۱۱/۹ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۳/۲/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله ۹۳/۴/۱۶

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی رابطه تحریف های شناختی و بهزیستی روان شناختی با دلزدگی زناشویی بین زوجین متقاضی طلاق شهرستان رشت انجام شد. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد. بدین منظور از جامعه آماری ۶۴۰ نفری ۱۸۰ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای برای انجام این پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه تحریف های شناختی (۱۳۸۹)، بهزیستی روان شناختی ریف (۱۹۸۹) و دلزدگی زناشویی (۱۹۹۶) می باشد. جهت تجزیه تحلیل داده ها از آزمونهای آماری پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین بهزیستی روان شناختی و تحریف های شناختی با دلزدگی زناشویی رابطه وجود دارد. ($P < 0/01$). بین تحریف های شناختی و دلزدگی زناشویی نیز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). بین مولفه های بهزیستی روان شناختی یعنی پذیرش خود، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و دلزدگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون مشخص کرد که تحریف های شناختی و دو مولفه بهزیستی روان شناختی یعنی روابط مثبت با دیگران و زندگی هدفمند می توانند به عنوان پیش بینی کننده دلزدگی زناشویی عمل نمایند.

کلید واژگان: تحریف های شناختی، دلزدگی زناشویی، بهزیستی روان شناختی.

مقدمه

ممکن است شعله عشق آنان به خاموشی گراید. ایس عنوان می کند زوج هایی که به تازگی ازدواج کرده اند کمتر به این فکر می کنند که ممکن است زمانی عشق افسانه ای آنها کمرنگ شود و این درست زمانی است که دلزدگی آغاز شده است. دلزدگی از عشق یک روند تدریجی است و به ندرت بطور ناگهانی بروز می کند (نیکل، ۲۰۰۶). در واقع صمیمیت و عشق به تدریج رنگ می بازد و به همراه آن احساس خستگی عمومی عارض می شود. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، میزان طلاق در سال های اخیر رشد فزاینده ای داشته به طوری که این رشد از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ به ترتیب ۷/۲، ۷/۵، ۷/۹ درصد رسیده است. بیشترین فراوانی متقاضی طلاق در گروه سنی ۲۵-۳۱

رابطه زناشویی یکی از صمیمی ترین و خصوصی ترین انواع ارتباط انسانی و از نیازهای فطری بشر است. داشتن رابطه با همسر، می تواند سرچشمه احساس آرامش، حمایت و لذت برای هر کس باشد و این در حالی است که همین رابطه گاهی می تواند به منشا اضطراب، احساس ناکامی و نارضایتی تبدیل شود. زمانی که دو نفر با سلاقی و نیازهای مختلف در کنار هم قرار می گیرند، دوام و کیفیت زندگی به دانش، مهارت و هنر هر یک از آنها در تحکیم این ارتباط بستگی دارد (دیو، ۲۰۰۸) بسیاری از همسران زندگی مشترک خود را با عشق آغاز می کنند در این زمان هرگز به این موضوع نمی اندیشند که روزی

سال و کمترین در مقطع سنی ۵۲-۵۸ سال می‌باشد. همچنین در پژوهشی که توسط سازمان بهزیستی در سال ۱۳۸۷ انجام شد مشخص گردید که بیشترین متقاضی طلاق در مقطع تحصیلی زیردیپلم و گروه سنی ۳۵ تا ۳۶ و ۳۰ تا ۳۴ سالگی قرار داشته‌اند. علاوه بر آن مشخص شد که ۱۴ درصد از زنان متقاضی، شاغل و ۸۶ درصد خانه‌دار بودند. وضعیت روانی زوج های ناراضی در آزمون‌های شخصیتی نشان می‌دهد که از افسردگی، عدم علاقه به زندگی و نگرانی رنج می‌برند. شوهران این زوج ها احساس نگرانی و اضطراب داشته و به آسانی خود را سرزنش می‌کنند. (قنبری و صالح زاده، ۱۳۸۷).

نوسانات رابطه زناشویی، عدم رضایت از آن و به دنبال آن شکل‌گیری طلاق، تحت تأثیر عوامل مختلفی ایجاد می‌شود. اگر نخواهیم عواملی همچون اختلافات سنی، خیانت طرفین، اعتیاد، مشکلات اقتصادی را در نظر بگیریم، یکی از مهم ترین عوامل مشکل ساز، باورهای غیر منطقی در روابط زوجین است که منجر به کاهش خودباوری، نظرمندی نسبت به همسر، احساس یاس و دلزدگی، ناکامی در مورد خود و دوست نداشتن خود می‌شود. بدون تردید باورها خمیره‌ی هر آدمی را شکل می‌دهند آدمی با باورهای خود زنده است و زندگی می‌کند. در واقع باورها نوع نگاه ما به اتفاقات محیطی است و تعیین کننده احساسات و رفتارهای روزمره مان. آرون بک از روانشناسان معروف، معتقد است که مهمترین علت مشکلات زناشویی و روابط انسانی، سوء تفاهم و خطاهای فکری و باورهای غیرمنطقی است. به اعتقاد او تفاوت در نحوه نگرش افراد باعث بروز اختلافات بین زوجین می‌شود. با توجه به گذار جامعه ما از جامعه سنتی به صنعتی و مدرنیسم، مشکلات خانواده و آسیب ارتباطی و نقش‌ها یکی از معضلات مهم در حیطه بهداشت روان خانواده‌ها است. مراجعات فراوان به مراکز خانواده درمانی و مداخله در بحران و افزایش رفتارهای کمک خواهانه تخصصی نشان از وجود یک معضل جدی در بهداشت روان خانواده است. طلاق برآیند حادثترین و

جدی‌ترین مشکلات ارتباطی خانواده است. متأسفانه از نظر نسبت طلاق به ازدواج، ایران یکی از هفت کشور اول دنیاست. براساس گزارش جامعه شناسان و روان‌شناسان، درسال های اخیر احساس امنیت، آرامش صمیمانه زن و مرد رو به سستی گراییده و خانواده به طور فزاینده‌ای با نیروی ویرانگر روبرو می‌شود (ستوده، ۱۳۷۹). ۲۲ درصد زنان در طول زندگی مشترک خود به علت کشمکش‌های خانوادگی آسیب می‌بینند (کاریاکو، آنگلین و تالیافرو، ۱۹۹۹). دریک مطالعه مقطعی ویسمن (۱۹۸۷) نشان داد که، افسردگی در افرادی که نگرانی و نارضایتی زناشویی بالایی دارند ۲۵ برابر بیشتر از افرادی است که دارای زندگی عادی هستند. شواهد زیادی وجود دارد که فقدان حمایت اجتماعی و عدم صمیمیت با افراد مهم زندگی نقش مهمی در شکل‌گیری افسردگی برعهده دارد (موسوی و همکاران، ۱۳۸۵). مشکلات زناشویی عامل خطر ساز مهمی برای بروز افسردگی است (تیچمن، بار - ال، شیروتا، الیزور، ۲۰۰۲). همچنین آشفتگی رابطه بین زن و شوهر موجب اضطراب و افسردگی در یکی و یا هر دو آنها می‌شود و در موارد دیگر بر شدت مشکلات موجود در خانواده‌ها می‌افزاید (بک، ۱۹۹۴، ترجمه: مهدی قرچه داغی، ۱۳۸۵). هر چند رضایت زناشویی و در مقابل آن نارضایتی زناشویی، بیشتر مورد علاقه درمانگران و مشاوران خانواده است. شناخت عوامل مرتبط با سازگاری و رضایت زناشویی به منظور افزایش بقاء و آرامش و رفاه زوجین می‌تواند برای همه سودمند باشد، چرا که سازگاری و رضایت زناشویی را عامل حفظ و نظام و تقویت حیات روانی خانواده دانسته‌اند (فینچام، بیچ، هارولد و اسبورن، ۱۹۹۷).

یکی از مدل های روانشناختی که اخیراً در تبیین مشکلات خانواده مطرح شده و بواسطه مبنای نظری و پشتوانه تجربی قوی آن مورد توجه قرار گرفته مدل شناختی است. مطابق با این مدل، افکار غیر منطقی و تحریف‌های شناختی عوامل مهم در ایجاد و تداوم رفتارهای پاتولوژیک هستند. اخیراً ادبیات پژوهشی در این حوزه

و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتاد شهر اهواز انجام شد به این نتیجه رسیدند که بین ویژگیهای شخصیت و دلزدگی زناشویی و روابط صمیمی با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. به نظر اولسون و دیگران (۱۹۸۹) سه زمینه کلی رضایتمندی وجود دارد که با یکدیگر تداخل داشته و وابسته به یکدیگر می باشند که شامل: الف) رضایت افراد از ازدواج خوب، ب) رضایت از زندگی خانوادگی، ج) رضایت از زندگی به طور کلی می گردد (سلیمانیان، ۱۳۷۳). از این رو پژوهش حاضر هم به دنبال بررسی رابطه تحریف‌های شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با دلزدگی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق و رسیدن به این نکته که زنان متقاضی طلاق به چه میزان از بهزیستی روان‌شناختی برخوردار هستند، می‌باشد. از این رو سوال پژوهش حاضر این است که آیا بین تحریف‌های شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد؟

فرضیه اصلی: بین تحریف‌های شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های ویژه

- بین تحریف‌های شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین رشد فردی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین پذیرش خود با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین روابط مثبت با دیگران با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین خودمختاری با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین تسلط بر محیط با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

اختصاصی‌تر شده و معطوف به باورهای ناکارآمد در مورد رابطه شده است. نمونه آن تفکر و باورها در مورد رابطه بین فردی با همسر، روابط والدین و روابط فرزندان است. نتایج پژوهشی در تبیین یک مدل ساختاری عوامل شناختی، رضایت جنسی و کیفیت زندگی نشان داد که هم برای مردان و هم زنان عوامل شناختی و نگرش‌ها یک رابطه علی و متوالی بر رضایت جنسی، کیفیت رابطه زناشویی و پایداری ازدواج داشت. کار آزمایشی‌های بالینی نشان داد با اصلاح نگرش‌ها و تحریف‌های شناختی زوجین، رفتارهای ارتباطی کلامی و غیر کلامی اصلاح شد و پیگیری یک ساله هم اثرات پایدار اصلاح نگرش‌ها بر سلامت روابط را نشان داد. از نظر تنوریک اینگونه یافته‌ها دال بر ارتباط متغیرهای شناختی و روابط درون خانواده است. برخی مطالعات نشان داده‌اند که باورهای ارتباطی ناکارآمد با پاسخهای مخرب فعال، شامل تفکر منفی نسبت به رابطه، تهدید به ترک و سایکو پاتولوژی خانواده، ارتباط مستقیم دارد. از سوی دیگر تعریف سلامت روانی به این صورت است که هر انسانی که توانایی کنار آمدن با مسائل عمیق خود را دارا باشد و بتواند با خود و دیگران سازش یافته و در برابر تعارضهای اجتناب‌ناپذیر درونی خود ناتوان نگردد دارای سلامت روانی است (امیریان، ۱۳۹۱). در زندگی طبیعی انسان‌ها هیچ خط مستقیمی، سلامتی و اختلال را از یکدیگر جدا نمی‌کند. سلامتی چیزی است که باید دائم آن را ساخت و پابر جا نگهداشت. کار ساختن و پابرجا نگهداشتن سلامت موضوعی است که ما انسان‌ها هر روز با آن روبه رو هستیم. (هنرپوران، ۱۳۸۶). کرید و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین بهزیستی روانی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان متأهل پرداخت. وی رضایت از زندگی را از عوامل مؤثر در بهزیستی روانی می‌داند. ماهونی و دیگران (۲۰۰۹) دریافتند هنگامی که همسران به روابط خود جنبه‌ی مقدس می‌دهند، رضایت زناشویی بالاتر و تعارضات کمتری دارند. - در پژوهشی که توسط نادری و همکاران (۱۳۸۹) تحت عنوان رابطه ویژگی‌های شخصیت

- بین زندگی هدفمند با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

نوع پژوهش

روش پژوهش

حاضر از نوع همبستگی می‌باشد.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق مراجعه کننده به کلینیک‌های خانواده و دادگستری و بهزیستی شهرستان رشت شامل ۶۴۰ نفر می‌باشند که با استفاده از جدول نمونه گیری مورگان ۱۸۰ نفر به روش نمونه گیری خوشه‌ای برای انجام این پژوهش انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش برای سنجش متغیر مستقل از پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف، تحریف های شناختی و دلزدگی زناشویی استفاده شد.

پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف را ریف در سال ۱۹۸۰ طراحی کرد. در این پژوهش از فرم ۸۴ سوالی آن استفاده شده است. بهزیستی روانشناختی دارای ۶ خرده آزمون پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران، خودمختاری، زندگی هدفمند، رشد شخصی و تسلط بر محیط است. در فرم ۸۴ سوالی هر عامل از ۱۴ سوال تشکیل شده است. در پژوهش زنجانی طبسی (۱۳۸۳) با روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل آزمون بهزیستی روانشناختی برابر ۰/۹۴ و برای آزمونهای فرعی بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ بوده است. ضریب همبستگی بدست آمده بر اساس روش باز آزمایی برای کل آزمون ۰/۷۶ است پرسشنامه تحریف های شناختی توسط حسنی عبدالله زاده و سالار در سال (۱۳۸۹) ساخته شده است. پرسشنامه مورد نظر شامل ۲۰ عبارت است ضریب آلفای کرونباخ آن در

پژوهش سازندگان این پرسشنامه ۰/۸۰ است می توان گفت این پرسشنامه از همسانی درونی خوبی برخوردار است.

دلزدگی زناشویی پاییز این پرسشنامه دارای ۲۱ سوال بوده و هدف آن ارزیابی ابعاد رفتار شهروندی افراد (نوع دوستی، وظیفه شناسی، جوانمردی، ادب و مهربانی، فضیلت مدنی) است. سطح ۱ معرف عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد عبارت مورد نظر پانیز: ۱۹۹۶ ترجمه شاداب ۱۳۸۶ صفحه ۳۵۱ است.

یافته های پژوهش

فرضیه اصلی: بین تحریف های شناختی و بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد. پس از اجرای داده ها در بین گروه مورد بررسی، داده ها مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحلیل همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان داده شد.

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود مقادیر همبستگی بین تحریف‌های شناختی و مولفه‌های بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی از نظر آماری معنی‌دار است ($p < 0/01$).

همانطور که در جدول ۲ دیده میشود در سه گام مقادیر F بدست آمده معنی‌دار است ($P < 0/01$); بنابراین مدل تا سه گام به صورت معنی‌دار جلو رفته و با اطمینان ۰/۹۹ نتیجه می‌گیریم که رابطه بین تحریف‌های شناختی و بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی از نظر آماری معنی‌دار است و متغیرهای پیشین (تحریف‌های شناختی و مولفه‌های بهزیستی روانشناختی) قدرت پیشبینی متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) را دارند؛ بنابراین مجاز به تحلیل و گزارش نتایج رگرسیون می‌باشیم. و جهت تعیین بهترین پیشبینی کننده دلزدگی زناشویی از بین متغیرهای پیشینی کننده از مدل رگرسیون با روش گام به گام گزارش شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی های متقابل برای تحریف های شناختی و بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
دلزدگی زناشویی	۲/۴۳	۰/۶۷	۰/۴۰**	-۰/۲۰*	-۰/۳۹**	-۰/۳۵**	-۰/۱۹*	-۰/۴۲**	-۰/۲۱*
متغیرهای پیش بین									
۱. تحریف های شناختی	۷۳/۰۳	۱۰/۸۴	-	-۰/۱۱	-۰/۱۶	-۰/۲۱*	۰/۰۰۷	۰/۲۲**	۰/۲۹**
۲. پذیرش خود	۴۳/۶۸	۱۲/۰۶	-	-	۰/۲۹**	۰/۱۵	۰/۲۴**	۰/۰۵	۰/۲۶**
۳. روابط مثبت	۳۸/۴۴	۱۳/۶۵	-	-	-	۰/۳۰**	۰/۰۷	۰/۳۲**	۰/۳۰**
۴. خود مختاری	۳۸/۴۴	۱۳/۶۵	-	-	-	-	۰/۱۸*	۰/۲۶**	۰/۴۱**
۵. تسلط بر محیط	۴۷/	۹/۸۲	-	-	-	-	-	۰/۱۵	۰/۱۰
۶. زندگی هدفمند	۵۱/۶	۷/۹۵	-	-	-	-	-	-	۰/۲۲**
۷. رشد فردی	۴۹/۵۶	۱۲/۲۵	-	-	-	-	-	-	-

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

جدول ۲. آزمون تجزیه و تحلیل واریانس برای معنی داری مدل

گام	SS	df	MS	F
۱. زندگی هدفمند	۷/۳۳	۱	۷/۱۵	۱۹/۴۸**
باقی مانده	۳۳/۱۱	۸۸	۰/۳۸	
۲. تحریف های شناختی	۷/۲۸	۲	۵/۶۴	۱۶/۸۳**
باقی مانده	۲۹/۱۶	۸۷	۰/۳۴	
۳. روابط مثبت با دیگران	۱۳/۸۳	۳	۴/۶۱	۱۴/۹۰**
باقی مانده	۲۶/۶۱	۸۶	۰/۳۱	

$p < 0.01$

جدول ۳. خلاصه نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی دلزدگی زناشویی بر پایه تحریف های شناختی و بهزیستی

روانشناختی		B	SEB	Beta	R ²	ΔR^2	R ² (کلی)
گام ۱	مقدار ثابت	۳/۳۳	۰/۲۱		۰/۱۸**	-	۰/۳۲**
	زندگی هدفمند	-۰/۰۲۲	۰/۰۱	-۰/۴۲۶			
گام ۲	مقدار ثابت	۱/۷۱	۰/۵۱		۰/۲۸**	۰/۱۰	
	زندگی هدفمند	-۰/۰۱۸	۰/۰۱	-۰/۳۵۱			
	تحریف های شناختی	-۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۳۲۱			
گام ۳	مقدار ثابت	۲/۱۵	۰/۵۲		۰/۳۴**	۰/۰۶	
	زندگی هدفمند	-۰/۰۱۴	۰/۰۱	-۰/۲۷۱			
	تحریف های شناختی	۰/۰۱۹	۰/۰۱	۰/۲۹۸			
	روابط مثبت با دیگران	-۰/۰۱۳	۰/۰۱	-۰/۲۶۶			

(روابط مثبت با دیگران) ۰/۱۳- (تحریف های شناختی)
 ۰/۱۹+ (زندگی هدفمند) ۰/۱۴- ۲/۱۵=دلزدگی
 زناشویی

بحث و نتیجه گیری

در بررسی فرضیه اول پژوهش، یافته‌ها نشان داد که بین تحریف‌های شناختی و بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش‌های منجزی و همکاران (۱۳۹۰)، برغندان و قائمی حفانی (۱۳۸۹)، عبدالله زاده (۱۳۸۷)، غلامی (۱۳۸۸)، رجائی (۱۳۸۷)، فلاح و دیگران (۱۳۸۹)، یعقوبی (۱۳۸۹)، امیدوار و همکاران (۱۳۹۱)، بختیارپور و عامری (۱۳۸۹)، بریل هرت (۲۰۱۲)، ران-سوسان (۲۰۰۴)، هاجینسون و چاپمن (۲۰۰۴)، مک کیگانگاس (۲۰۰۷)، سونینی و همکاران (۲۰۰۹)، کرید و همکاران (۲۰۱۰)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، کول (۲۰۱۰)، آریندل و همکاران (۲۰۱۱) نیز همسو با نتیجه بدست آمده در این تحقیقند. آنان نیز در مورد اثربخشی مداخله‌ی معنوی به شیوه های گروهی بر ارتقای بهزیستی روانشناختی و تحریف شناختی در زنان مبتلا به سرطان پژوهشی انجام دادند. باید گفت رضایت از زندگی زناشویی سبب می‌شود که نحوه عملکردهای افراد بهبود یابد افرادی که قادرند احساسات خود را ابراز کنند کمتر مضطرب و ناراحت می‌شوند و تصور بهتری از خود دارند این افراد از بهزیستی روانشناختی مطلوبی برخوردارند. سازگاری اجتماعی و ابراز وجود بهتری از خود نشان می‌دهد و این مساله از اساسی ترین عوامل در رشد مطلوب شخصیت محسوب می‌شود.

در بررسی فرضیه دوم، یافته‌ها نشان داد که بین تحریف‌های شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه معنی دار وجود دارد. نتایج پژوهش‌های نادری و همکاران (۱۳۸۹)، فلاح و دیگران (۱۳۸۹)، یعقوبی (۱۳۸۹)، امیدوار و همکاران (۱۳۹۱)، بختیارپور و عامری (۱۳۸۹)، بریل هرت

نتایج رگرسیون به روش گام به گام، جدول فوق نشان می‌دهد که ابتدا زندگی هدفمند به عنوان قویترین متغیر پیش بین وارد مدل شده و توانسته است ۱۸ درصد واریانس متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) را تبیین کند؛ در گام دوم تحریف‌های شناختی به مدل اضافه شده است و این دو متغیر (زندگی هدفمند، تحریف‌های شناختی) توانسته است ۲۸ درصد واریانس متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) را تبیین کنند؛ در گام سوم روابط مثبت با دیگران به مدل اضافه شده است و این سه متغیر (زندگی هدفمند، تحریف‌های شناختی، روابط مثبت با دیگران) توانسته است ۳۴ درصد واریانس متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) را تبیین کنند. نتایج رگرسیون به روش همزمان R2 (کلی)، نشان داد که بهزیستی روانشناختی در مجموع توانسته است ۳۲ درصد واریانس متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) را تبیین کند.

همانطور که در جدول (۳) نمایان است در گام اول متغیر زندگی هدفمند، وارد مدل شده و با $p < 0.01$ ($B=$) نقش معنی داری را در پیش‌بینی متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) داشته است؛ بنابراین معادله دلزدگی زناشویی از روی متغیر زندگی هدفمند به قرار زیر بدست می‌آید.

(زندگی هدفمند) $-0.22 - 0.33 =$ دلزدگی زناشویی
 در گام دوم زندگی هدفمند با $p < 0.01$ ($B=0.18$)، تحریف‌های شناختی با $p < 0.01$ ($B=0.02$)، نقش معنی داری در پیش‌بینی متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) دارند.

(تحریف های شناختی) $+0.02 +$ (زندگی هدفمند) $0.18 =$
 $-1.71 =$ دلزدگی زناشویی
 در گام سوم زندگی هدفمند با $p < 0.01$ ($B=0.14$)، تحریف‌های شناختی با $p < 0.01$ ($B=0.19$)، روابط مثبت با دیگران با $p < 0.01$ ($B=0.13$)، نقش معنی داری در پیش‌بینی متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) دارند.

همسو با نتیجه به دست آمده در این تحقیقند آنان نیز نشان دادند در پژوهشی با هدف بررسی اثر بخش آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی و باورهای و تحریف‌های غیر منطقی بر بهبود زناشویی زوجین شهر اصفهان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که اثر آموزش بر بهبود زناشویی و بهزیستی روانی زوجین شهر اصفهان موثر بوده است.

نتیجه بدست آمده را می‌توان چنین توصیف کرد که زوجینی که از رضایت بالایی در زندگی برخوردارند، در حل مسائل زندگی و رسیدن به اهداف راحت‌تر برخورد می‌کنند و این امر منجر به سازگاری بهتر آنها می‌شود از این رو دلزدگی زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند، این نتیجه یافته‌های قبلی پژوهش‌های کسب شده را تایید می‌کند.

در بررسی فرضیه چهارم پژوهش، یافته‌ها نشان داد که بین پذیرش خود با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش‌های امیدوار و همکاران (۱۳۹۱)، بختیارپور و عامری (۱۳۸۹)، بریل هرت (۲۰۱۲)، ران-سوسان (۲۰۰۴)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، نیز همسو با نتیجه به دست آمده در این تحقیقند آنان نیز در پژوهش خود ۲۰۷ دانشجوی در آستانه طلاق را در دوره آموزش مشاوره قبل از طلاق شرکت دادند. بررسی آنها نشان داد که آموزش مشاوره قبل از طلاق، انتظارات زناشویی را در زنان و مردان را به طور معناداری بهبود بخشیده است و همچنین آموزش مشاوره قبل از طلاق در دانشجویان در آستانه طلاق، ابعاد انتظارات شامل: انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی، انتظار از زندگی زناشویی و انتظار از یک رابطه ایده آل را به طور معناداری بهبود بخشید. تأثیر این برنامه در مردان و زنان متفاوت نبود.

نتیجه بدست آمده را می‌توان چنین توصیف کرد که امروزه یکی از علل اصلی جدایی‌ها به ویژه در جوامعی مانند کشور ما که هم از نظر مذهبی و هم به لحاظ فرهنگی خصوصیات ویژه خود را دارد، عدم درک

(۲۰۱۲)، ران-سوسان (۲۰۰۴)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، کول (۲۰۱۰)، آریندل و همکاران (۲۰۱۱) نیز همسو با نتیجه به دست آمده در این تحقیقند آنان نیز نشان دادند در پژوهشی تحت عنوان رابطه ویژگی‌های شخصیت و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتاد شهر اهواز انجام شد به این نتیجه رسیدند که بین ویژگی‌های شخصیت و دلزدگی زناشویی و روابط صمیمی با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. کرید و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین بهزیستی روانی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان متأهل پرداخت. وی رضایت از زندگی را از عوامل مؤثر در بهزیستی روانی می‌داند.

نتیجه بدست آمده را می‌توان چنین توصیف کرد که گفت ثبات و سلامت خانواده در گروه داشتن مهارت‌های ارتباطی مناسب، همخوانی با یکدیگر، ایجاد آرامش و... است که باید با توجه به نیازهای یکدیگر، تحریف‌های شناختی و دلزدگی زناشویی را کاهش داد و موجبات رضایت یکدیگر را فراهم نمود پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سلامت روانی می‌تواند سبب افزایش میزان رضایت زناشویی، رفاه، ثروت، موفقیت، عشق و شادی گردد. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی، روحانی و...، همگی از جمله منابعی هستند که افراد با استفاده از آنها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی، دلزدگی و آسیب کمتری را متحمل شوند.

در بررسی فرضیه سوم پژوهش، یافته‌ها نشان داد که بین رشد فردی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش‌های منجزی و همکاران (۱۳۹۰)، فلاح و دیگران (۱۳۸۹)، یعقوبی (۱۳۸۹)، امیدوار و همکاران (۱۳۹۱)، بختیارپور و عامری (۱۳۸۹)، بریل هرت (۲۰۱۲)، کرید و همکاران (۲۰۱۰)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، کول (۲۰۱۰)، آریندل و همکاران (۲۰۱۱) نیز

موقعیت های اجتماعی نمرات بیشتری را در همدلی، خودبازبینی و خودکنترلی کسب می کنند. این افراد پاسخ های همراه با بازی و مشارکت بیشتری را در مورد همسرانشان دارند. روابط نزدیک تر و محبت آمیزتری را از خود نشان می دهند و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی خود تجربه می کنند.

در بررسی فرضیه ششم پژوهش، یافته ها نشان داد که بین خودمختاری با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش های منجزی و همکاران (۱۳۹۰)، برغندان و قائمی حفانی (۱۳۸۹)، عبدالله زاده (۱۳۸۷)، غلامی (۱۳۸۸)، رجائی (۱۳۸۷)، دای و ایکارت (۲۰۱۰)، مک کیگانگاس، (۲۰۰۷)، سوینی و همکاران (۲۰۰۹)، کول (۲۰۱۰)، نیز همسو با نتیجه به دست آمده در این تحقیقند آنان نیز نشان دادند که تفاوت معنی داری بین نگرش های ناکارآمد و باورهای غیر منطقی با خشونت و پرخاشگری در روابط خانواده دیده نشد. در پژوهشی که توسط بختیارپور و عامری (۱۳۸۹) تحت عنوان رابطه بین وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیر منطقی با دلزدگی زناشویی در بین دبیران متاهل شهر اهواز به این نتیجه رسید که بین وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیر منطقی با دلزدگی زناشویی دبیران رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

نتیجه بدست آمده را می توان چنین توصیف کرد که خودمختاری و استقلال نقش مرکزی در ازدواج ایفا می کند. به گونه ای که از لحاظ ویژگی های زناشویی مشخص شده است که داشتن استقلال و کارآمدی میان شوهر و همسر مهم ترین جنبه های خانواده های دارای عملکرد مطلوب می باشد باید گفت رضایت از زندگی زناشویی سبب می شود که نحوه عملکردهای افراد بهبود یابد افرادی که قادرند احساسات خود را ابراز کنند کمتر مضطرب و ناراحت می شوند و احساس تنهایی کنند و تصور بهتری از خود دارند این افراد از از بهزیستی روان شناختی مطلوبی برخوردارند. سازگاری اجتماعی و

متقابل و پذیرش یکدیگر در میان زوج های جوان است. روابط بین زن و شوهر دارای جنبه های عاطفی، روانی و جنسی بوده و در کلیه این زمینه ها آگاهی و اطلاع زوج ها از نقش خود در ایجاد یک رابطه صحیح و ثمربخش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. فقدان پذیرش خود و دیگران لازم و اساسی در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره است. بنابراین پذیرش خود در بهبود و سلامت روان شناختی افراد مؤثر است. این توانایی ها فرد را برای مقابله مؤثر با موقعیت ها یاری می کند و شخص را قادر می سازد در رابطه با سایر افراد، جامعه، فرهنگ و محیط خود به گونه مثبت و سازگارانه عمل کند.

در بررسی فرضیه پنجم پژوهش، یافته ها نشان داد که بین روابط مثبت با دیگران با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد

نتیجه بدست آمده با یافته های منجزی و همکاران (۱۳۹۰)، کول (۲۰۱۰)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹) همسو می باشد. در تبیین نتیجه بدست آمده باید گفت که روابط بین انسانها، به طور کلی و ازدواج و زندگی زناشویی، به گونه خاص، یک بافتار سرشار از عاطفه هستند. مایر، کاروزو و سالوی (۲۰۰۴) معتقدند که اساسی ترین توانمندی هیجانی، دریافت و تشخیص دقیق عواطف است که به درک بهتر خود و دیگران کمک می کند. در ازدواج هایی که زوجین با هم در تعارض و تضاد هستند و دلزدگی زناشویی را تجربه می کنند، برانگیختگی های عاطفی زیاده تر است. توانمندی ادراک دیگران منجر به بهبود روابط بین فردی می شود. مهارت همدلی و درک دیگران باعث می شود افراد برای فهم دلسوزانه از نیازهای بین فردی و تمایلات دیگران و فراخوانی رفتارهای باز، صادقانه، قابل احترام و اعتماد، مشترک، رفتارهای هم حسی، نظارتی و صمیمی با دیگران با سرعت و میزان بیشتر آماده می سازد. شات، مالوف، هال و همکاران (۱۹۹۸) در پژوهش خود نشان دادند، افراد با توانمندی های بالای در روابط مثبت با دیگران، در

(۱۳۸۸)، رجائی (۱۳۸۷)، دای و ایکارت (۲۰۱۰)، مک کیگانگاس ، (۲۰۰۷)، همسو می‌باشد. یعقوبی (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه تحریف شناختی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان نشان داد که بین میانگین گروههای مختلف دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که با کاهش نمره ی تحریف شناختی میزان شادکامی نیز افزایش نشان می دهد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تعارض در روابط صمیمی امری طبیعی است و طلاق از این قاعده مستثنی نیست زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوجین زمینه های بی شماری را برای تعارض فراهم می کند، دیدگاه عقلانی-عاطفی- رفتاری مدعی است که دلیل تعاملات زناشویی آشفته توقعات غیر واقع بینانه ای است که زن و شوهر نه صرفا در مورد خود یا دیگران بلکه درباره خود مسولیت پذیری دارند و مشکلات ارتباط فعلی افراد را بازتاب مسائل خانواده اصلی آنها میداند. به اعتقاد او ما نمیتوانیم همسرمان را واضح و شفاف ببینیم و تصاویری را بر او فرافکنی می‌کنیم. بنابراین، تعامل بین این فرافکنیهای متقابل موجب مشکلات زوج ها می‌شود. زیرا زن و شوهر در مورد مسائل واقعی خود بحث نمی کنند، بلکه در مورد فرافکنیها و تصاویر ذهنی مرتبط با روابط قبلی به بحث می پردازند. از دید سیستمی، اکثر زوج ها به این دلیل دچار تعارض می شوند که هرکدام سعی می‌کند مسولیت را به کس دیگری واگذار کند. بنابراین باید گفت که اگر زوجی بتواند با روش های صحیح ارتباط برقرار کند نه تنها ارتباط مؤثری با هم خواهند داشت بلکه دلزدگی آنان کاهش می‌یابد. از طرفی صمیمیت و همراهی عاطفی زن و شوهر، حساسیت آنها را نسبت به هم بالا برده در نتیجه باعث می‌شود آمیزش عاطفی آنها نیز بالا رود. به عبارت دیگر بخش مهمی از روابط بین فردی به عواطف و هیجانات افراد و نحوه برخورد با آنها باز می‌گردد.

خودمختاری بهتری از خود نشان می دهد و این مساله از اساسی ترین عوامل در رشد مطلوب شخصیت محسوب می‌شود و این مساله سبب می شود که دلزدگی زناشویی کمتری در زندگیشان به چشم می خورد.

در بررسی فرضیه هفتم پژوهش یافته‌ها نشان داد که بین تسلط بر محیط با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتیجه بدست آمده با یافته‌های منجزی و همکاران (۱۳۹۰)، عبدالله زاده (۱۳۸۷)، غلامی (۱۳۸۸)، رجائی (۱۳۸۷)، دای و ایکارت (۲۰۱۰)، کول (۲۰۱۰)، همسو می‌باشد. در تحقیقی که توسط غلامی (۱۳۸۸) انجام پذیرفت بین بهزیستی روانی و رضایت جنسی زوجها نیز رابطه‌ی مثبت به دست آمد و نشان داد که بهزیستی روانی به عنوان یک متغیر پیش بینی کننده می‌تواند نقش مهمی در ارتباط با روابط زناشویی زوجها و رضایت از آن داشته باشد.

نتیجه بدست آمده را می توان چنین توصیف کرد که ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است و به عنوان عالی ترین رسم اجتماعی برای دستیابی عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال همواره مورد تأیید بوده است. در بررسی نتایج فوق باید گفت که رضایت زناشویی یکی از مهم ترین و مؤثرترین عوامل در تداوم یک زندگی شاد محسوب می‌شود. که مسائلی چون عوامل دفاعی و مقابله‌ای روابط موجود را تضعیف می‌کند. در شناسایی عوامل مؤثر در رضایت زناشویی با توجه به ادبیات پژوهش که موفقیت در ازدواج مستلزم توانایی و مهارتهای خاص (مانند نحوه تفکر، ادراک فرد از خود و دیگران، انتظارات فرد از زندگی، ویژگی های شخصیتی و هیجان ها، شیوه های مقابله و غیره) در طرفین است که همه آنها نیز آموختنی هستند .

در بررسی فرضیه هشتم پژوهش ، بین زندگی هدفمند با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد

نتیجه بدست آمده با یافته‌های یعقوبی (۱۳۸۹) ، برغندان وقائمی حفانی (۱۳۸۹) ، عبدالله زاده (۱۳۸۷)، غلامی

منابع

همسران معتادان مرد اهواز، فصلنامه یافته‌های نو در روانشناسی، ۶۲-

۷۸.

- Ardinall, M. C (2011) Development And Validation Of A Patient-Based Health-Related Quality Of Life Questionnaire In Schizophrenia: The S-Qol, *Schizophrenia Research*, 63, 137-149.
- Dew, J (2008). Debt Change And Marital Satisfaction Change In Recently Married Couples. *Journal Of Family Relation*, 57, 1, 60-71.
- Cole, B. S. (2010). Spiritually – Focused Psychotherapy For People Diagnosed With Cancer: A Pilot Outcome Study. *Journal Of Mental Health, Religion & Culture*, 8 (3), 217-226.
- Fincham F. D., Beach, S. R. H., Harold, G., T., & Osborne, L. N (1997) Marital satisfaction and depression: Longitudinal relationships for husbands and wives. *Psychological Science*, 8, 351- 357.
- Kread, D.J. Karademas, C (2009). The Relationship Of Alexithymia To Pain Severity And Impairment Among Patient Chronic.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell. T. Swank, A. B., Scott, E, Emery, Q., & Rye, M. (2009). Marriage And The Spiritual Realm: The Roles Of Proximal And Distal Religious Constructs In Marital Functioning. *Journal Of Family Psychology*, 13, 321-338.
- Nickol, K., (2006). The relationship between irrational beliefs and marital satisfaction. *Unpublished Doctoral Dissertation*, . *Journal Of Family Psychology*. 15:135-154.
- Tuchman, Y., Bar-el, Z., Shor, H, Sirota, P., & Elizur, A. (2003). Research report cognitive, interpersonal, and behavioral predictors of patients and spouses depression. *Journal of Affective Disorders*, 74, 247-256.

- امیدوار، بنفشه، فاتحی زاده، مریم السادات، احمدی، سید احمد، (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش مشاوره قبل از طلاق بر انتظارات زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز. *مجله خانواده پژوهی*، سال پنجم، شماره ۱۸، ۲۴۶-۲۳۱.
- امیریان، کامران (۱۳۹۱). اثر آموزش مهارت های مقابله ای بر وضعیت سلامت روانی دانشجویان، مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان، اردیبهشت ۹۱.
- بختیارپور، سعید، عامری، زینب (۱۳۸۹) رابطه بین وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیر منطقی با دلزدگی زناشویی در دبیران متاهل اهواز. فصلنامه یافته های نو در روانشناسی، ص ۵۴ تا ۶۰.
- ستوده، هدایت ا... (۱۳۷۹). آسیب شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
- فلاح، راحله؛ گلزاری، محمود؛ داستانی، محبوبه؛ ظهیرالدین، علیرضا؛ موسوی، سیدمهدی؛ اکبری، محمد اسماعیل. (۱۳۸۹). اثربخشی مداخله ی معنوی به شیوه ی گروهی بر ارتقای امید و سلامت روان در زنان مبتلا به سرطان سینه. فصلنامه اندیشه و رفتار در روان شناسی بالینی، دوره ی پنجم، شماره ی ۱۹، بهار ۱۳۹۰.
- قنبری، بهرام علی؛ صالح زاده، مهدی (۱۳۸۷). مقایسه میزان رضایتمندی از زندگی مشترک بین دانشجویانی که ازدواج دانشجویی داشته اند با دانشجویانی که ازدواج غیر دانشجویی داشته اند. فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، دوره چهارم شماره ۲ و ۱. صص ۳۲-۴۱.
- قراچه، مریم؛ آزادی، شهذخت؛ افراسیابی، اردشیر. (۱۳۸۹). بدرفتاری همسر و کیفیت زندگی زنان متأهل. فصلنامه اندیشه و رفتار در روان شناسی بالینی، دوره ی پنجم، شماره ۱۹، بهار ۱۳۹۰.
- موسوی، مرضیه؛ محمد خانی، پروانه؛ موسوی، اشرف السادات؛ کاویانی، حسین و دلاور، علی (۱۳۸۵). تأثیر زوج درمانی سیستمی- رفتاری بر افسردگی و رضایت زناشویی زنان افسرده. *فصلنامه تازه های علوم شناختی*، ۸ (۲)، صص ۱۲-۲۰.
- یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه ی هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان. پژوهش در نظام های آموزشی، صص ۱۰۵-۹۳. برگرفته از سایت: www.SID.ir.
- نادری، فرح، افتخار، زهرا، آملازاده، صفری (۱۳۸۹) رابطه ویژگی های شخصیت و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در



Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 5, No. 3, fall 2014, No 19

Investigate the relationship between cognitive distortions and psychological well-being with marital disenchantment in couples applicant divorce

MohammadAliRahmani¹; NaserAmini² ; Zahra SiratiSabetFoumani^{3*}

- 1) Assistant Professor. Islamic Azad University. Tonekabon Branch. Tonekabon, Iran .
- 2) Assistant Professor. Islamic Azad University Science and Research Bushehr Branch. Bousher. Iran
- 3) M.A Educational Sciences Clinical Psychology. Department of Psychology Science and Research branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

*Corresponding author: z.siratisabet@gmail.com

Abstract

This research aimed to investigate the relationship between cognitive distortions and psychological well-being with marital disenchantment in couples applicant divorce in Rasht. The correlation method is used in this study. The population is all 640 couples applicant divorce referred to family clinic, Justice and Welfare in Rasht. Using the Morgan tables, 180 subjects were selected by cluster sampling method for this study. Data collection tool is cognitive distortions questionnaire (2010), Ryff psychological well-being (2010) and marital disenchantment (1996). For data analysis, Pearson correlation coefficient and multiple regression parametric tests was used. The results showed that there is a relationship between psychological well-being and cognitive distortions to marital disenchantment ($p < 0.01$). There is a significant positive correlation between cognitive distortions and marital disenchantment ($p < 0.01$). There is a significant negative relationship between the psychological well-being components that is self-acceptance, personal growth, positive relations with others, autonomy, environmental mastery, purpose in life and marital disenchantment. Regression analysis also revealed that cognitive distortion and the two components of psychological well-being, namely positive relations with others and purpose in life can act as marital disenchantment predictor.

Key words: Cognitive distortions, marital disenchantment, Psychological well-being.
